### تقسیمات اجتهاد

اجتهاد در احکام فقهی بر دو محور قابل تقسیم است:

1-تقسیم اجتهاد در ابواب فقهی با قطع نظر از مبادی و مقدمات اجتهاد

2-تقسیم اجتهاد با ملاحظه مبادی و مقدمات آن

### اطلاق و تجزی در محور اول

اطلاق و تجزی در تقسیم اجتهاد بر محور اول –کلی اجتهاد با قطع‌نظر از مقدمات و مبادی اجتهاد- سه معنا دارد.

1-قدرت بر استنباط احکام: در این تقسیم ‌بر اساس محور اول مجتهد مطلق کسی است که قدرت بر استنباط احکام در تمام ابواب فقهی را دارد و مجتهد متجزی کسی است که فقط قدرت بر استنباط احکام در بعض ابواب فقهی داشته باشد.

2-فعلیت استنباط: در این تقسیم ‌بر اساس محور اول مجتهد مطلق کسی است که بعد از قدرت در استنباط احکام در تمام ابواب فقهی، عملاً احکام آن ابواب را استخراج کرده باشد و مجتهد متجزی در این معنا کسی است که اگرچه قدرت بر استنباط احکام در تمامی ابواب را دارد، لکن استنباط عملی و استخراج فعلی تمام احکام را نکرده باشد.

3-اعلمیت: مجتهد مطلق کسی است که قدرت بر استنباط تمام احکام ابواب مختلف را داشته و در تمام ابواب اعلم باشد و مجتهد متجزی در این معنا کسی است که اگرچه توانایی بر استنباط تمام احکام را داشته و عملاً هم جمیع احکام را استخراج کرده است، لکن حداقل در بعضی از ابواب اعلم نیست.

### اطلاق و تجزی در محور دوم

تقسیم‌های سه‌گانه فوق، در محور دوم –باملاحظه مبادی و مقدمات اجتهاد- نیز جریان دارد.

1-قدرت بر استنباط مقدمات: مجتهد مطلق کسی است که قدرت بر استنباط تمام مقدمات و عناصر مؤثر در اجتهاد را دارد و مجتهد متجزی کسی است که قدرت بر استنباط جمیع مبادی و مقدمات مؤثر را ندارد.

2-استنباط فعلی مقدمات: معنای دیگر از اطلاق و تجزی در دومین محور اینکه مجتهد مطلق کسی است که علاوه بر قدرت بر استنباط جمیع مقدمات و مبادی، عملاً آن‌ها را استنباط کرده باشد و مجتهد متجزی در این معنا کسی است که گرچه قدرت بر استنباط جمیع مقدمات دارد، لکن عملاً حداقل بعضی از مقدمات را استنباط نکرده است.

3-اعلمیت: مجتهد مطلق کسی است که علاوه بر قدرت در استنباط و فعلیت استنباط مقدمات مؤثر، در استنباط مبادی اعلم هم باشد؛ برخلاف مجتهد متجزی در این معنا که ممکن است قدرت بر استنباط جمیع مقدمات داشته باشد و عملاً هم استنباط کرده باشد، لکن در بعض یا جمیع اعلم نباشد.

### امکان تقسیمات شش‌گانه

در تقسیمات شش‌گانه فوق – سه تقسیم در دو محور - جمیع اقسام عقلاً ممکن و مصداق آن‌ها هم متصور و هر قسمی نیز متناسب با خود احکامی دارد .

### توسّط در اجتهاد

توسّط در اجتهاد ناظر بر تقسیمات محور دوم است و آنچه از "مجتهد متوسّط"، مشهور است همان قسم اول محور دوم –قدرت در استنباط مبادی- است البته در دو قسم دیگر –فعلیت و اعلمیت در استنباط مبادی- نیز جریان دارد.

### امکان اجتهاد متوسط

در جواز و امتناع اجتهاد متوسّط عده‌ای مانند مرحوم حائری (ره) قائل به جواز و عده‌ای دیگر همچون آقا ضیاء عراقی (ره) قائل به امتناع آن هستند.

### اجتهاد در معارف توصیفی

مقسم تقسیمات گذشته اجتهاد در معارف تجویزی بود و تمام آنچه که در معارف تجویزی ذکر شد، در اجتهاد در معارف توصیفی و کلامی نیز جاری است که به لحاظ فقهی آثار و نتایجی بر این تقسیمات مترتب است.

اجتهاد مطلق به معنای دیگر نیز می‌توان لحاظ کرد که شامل تمام اقسام اجتهاد مانند اجتهاد در فقه، کلام و ... است که مجتهد مطلق در این معنا کسی است که قدرت بر استنباط جمیع معارف توصیفی و تجویزی را داشته باشد.

## مقدمه (31 ): آثار، وظایف و مناصب مجتهد

در این مقدمه بحث در این است که بعد از حصول اجتهاد چه آثار و وظایف و مناصبی برای مجتهد حاصل می‌شود که مشهور سه منصب است:

1. افتاء 2. قضا 3. حکومت

**توضیح** : به‌تبع حصول اجتهاد، مجتهد وظایفی در قبال خود و دیگران دارد.

**وظیفه مجتهد در قبال خود**: مهم‌ترین اثر اجتهاد در قبال خود مجتهد، عدم جواز تقلید غیر و لزوم عمل به نظر خودش است.

**وظایف مجتهد در قبال دیگران**: بعضی از وظایف مجتهد در قبال دیگران اختصاصی بوده و مختص مجتهد است مانند مقامات سه گانه : افتاء، قضا و حکومت و بعض دیگر جزو وظایف عمومی بوده که مجتهد در انجام آن مجاز بوده، بلکه در اولویت قرار دارد؛ مانند نقش ارشاد و تربیت و هدایت فرد و جامعه.